هو العلیم

حدیث امام رضا علیه السلام راجع به شرایط امام

حضرت علامه آیة الله حاج سید محمد حسین

حسینی طهرانی

امام شناسی، جلد ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم محمّد بن یعقوب کلینی [1] حدیث می‌کند از عبد العزیز بن مسلم که او گفت: ما با حضرت رضا علیه السلام در مرو بودیم و در بدو ورود در مسجد جامع مرو در روز جمعه‌ای به جماعت رفتم. در آنجا از امر امامت بسیار سخن به میان رفت و اختلافات مردم را در این موضوع بیان می‌کردند. پس از آن من بر حضرت رضا علیه السلام وارد شدم و او را از بحث و خوض مردم در امر امامت مطلّع نمودم.

آن حضرت تبسمی فرمود و سپس گفت: ای عبد العزیز این مردم جاهلند و به آراء و افکار خود گول خورده‌اند. خداوند عزَّ و جلَّ جان پیغمبر خود را نگرفت مگر آنکه دین او را کامل نمود و قرآن را بر او فرو فرستاد که ﴿فیهِ تِبْیانُ کُلِّ شَیْءٍ﴾. در قرآن حلال و حرام بیان شده و حدود و احکام و جمیع آنچه که مردم بدانها نیازمندند همه را بیان فرموده، **فَقالَ عَزَّ وَ جَلَّ:** ﴿ما فَرَّطْنا فِی الْکِتابِ مِنْ شَیْءٍ.﴾[2]

---

[1] اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۸

[2] سوره الأنعام (٦) آیه ۳۸

و در حجة الوداع که آخر عمر حضرت رسالت بود این آیه را فرستاد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ اتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتى وَ رَضيتُ لَكُمُ الْاسْلامَ ديناً.﴾[1] و امر امامت از تمامیّت دین است و پیغمبر از دنیا نرفت مگر آنکه برای امّت خود معالم دین آنها را بیان فرموده و روشن ساخت و راه سلوک آنها را نشان داد و بر راه حقّ آنها را برقرار کرد و برای آنها علی علیه السلام را راهنما و امام قرار داد، و تمام چیزهایی را که امّت بدانها محتاج هستند روشن ساخت. پس کسی که گمان کند خداوند عزَّ و جلَّ دین خود را کامل ننموده است کتاب خدا را ردّ کرده و کسی که کتاب خدا را ردّ کند به خدا کافر شده است. آیا آنها قدر و منزلت امام را می‌دانند و محل و مکانت او را می‌شناسند تا بتوانند برای خود امام اختیار کنند؟

انَّ الْامامَةَ اجَلُّ قَدْراً وَ اعْظَمُ شَأْناً وَ أَعْلى مَكاناً وَ امْنَعُ جانِباً وَ ابْعَدُ غَوْراً مِنْ انْ يَبْلُغَهَا النّاسُ بِعُقُولِهِمْ اوْ يَنالُوها بِآرائِهِم اوْ يُقيمُوا اماماً بِاخْتيارِهِمْ. «امامت

---

[1] سوره المائدة (۵) آیه ۳.

قدرش بزرگتر و شأنش عظیم‌تر و درجه‌اش عالی‌تر و از دسترس مردم دورتر و رسیدن به حقیقت او مشکل‌تر است از آنکه مردم بتوانند با عقل‌های خود بدان برسند یا به آراء خود بدان دست یابند یا به اختیار خود امامی را تعیین کنند».

امامت مقامی است که خداوند عزّ و جلّ به حضرت ابراهیم بعد از اعطای نبوّت و خُلّت، در درجه سوّم عنایت فرمود، و فضیلتی است که خدا او را بدان مشرف فرمود و بدان فضیلت ثنا و مدح خود را بر آن پیغمبر بیان کرد ﴿فَقالَ انِّی جاعِلُكَ لِلنّاسِ اماماً.﴾[1] «من ترا برای مردم امام قرار دادم». و از مسرتی که ابراهیم از این خطاب پیدا نمود عرض کرد: ﴿وَ مِنْ ذُرِّیتَّی﴾؟[2] «آیا این منصب امامت نصیب ذرّیّة من نیز می‌گردد؟» خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمینَ﴾.[3] «عهد من به ستمکاران نخواهد رسید». پس این آیه، امامت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل نمود و امامت

---

[1] سوره البقرة (۲) آیه ۱۲٤.

[2] سوره البقرة (۲) آیه ۱۲٤.

[3] سوره البقرة (۲) آیه ۱۲٤.

مخصوص به پاکان و برگزیدگان شد.

سپس خداوند ابراهیم را گرامی داشته، و امامت را در آن طبقه از ذرّیّة او که اهل طهارت و صفوت بودند قرار داد و فرمود:

﴿وَ وَهَبْنا لَهُ اسْحقَ وَ يَعْقُوبَ نافِلَةً وَ كُلًّا جَعَلْنا صالِحينَ* وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِامْرِنا وَ اوْحَيْنا اَلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْراتِ وَ اقامَ الصَّلوةِ وَ ايتاءَ الزَّكاةِ وَ كانُوا لَنا عابِدين﴾.[1] و پیوسته و همیشه امامت در ذریه ابراهیم بود بعضی از بعضی قرنا بعد قرن ارث می‌بردند تا آنکه خدا آن را به پیغمبر اکرم میراث داد و فرمود جل و علا: ﴿انَّ اوْلَى النّاسِ بِابِراهيمَ لَلَّذينَ اتَّبَعُوُه وَ هذَا النَّبِيُّ وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ اللهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنينَ﴾.[2]

پس این امامت اختصاص به رسول اللَه پیدا کرد و آن حضرت آن را به علی علیه السلام سپرد به امر خداوند تعالی طبق ما فرض اللَه و سپس در ذرّیّه پاک و اصفیای از اولاد آن حضرت آنهایی که به آنها علم و ایمان داده شد، قرار گرفت. خداوند تعالی فرمود:

---

[1] سوره الأنبياء (٢١) آیه ٧٢ و ٧٣

[2] سوره آل‌عمران (٣) آیه ٦٨.

﴿وَ قالَ الَّذينَ اوتُوا الْعِلْمَ وَ الْايمانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فى كِتابِ اللهِ الى يَوْمِ الْبَعْثِ﴾.[1]

پس آن امامت فقط در اولاد على عليهم السلام است تا روز رستاخيز چون پيغمبرى بعد از محمّد صلى اللَه عليه و آله و سلم نيست. بنابر اين از كجا اين جهّال امام اختيار مى‌كنند؟ به درستى كه امامت منزله و مقام پيمبران و ارث اوصياء است. امامت خلافت خدا و جانشينى رسول اللَه صلى اللَه عليه و آله و سلم و مقام امير المؤمنين عليه السلام و ميراث حسن و حسين عليهما السلام است. امامت زمامدارى دين و نظام مسلمين و موجب صلاح دنيا و عزّت مؤمنين است. امامت ريشه و اساس زنده، و شاخه‌هاى بلند اسلام است. به امام است كه نماز كامل و تمام مى‌شود و زكات و روزه و حجّ و جهاد هر يک موقعيّت و تماميّت خود را حائز مى‌گردند، و نيز موجب زيادى فيىء و صدقات و به جريان انداختن حدود و احكام و منع سرحدّات و اطراف است از دستبرد تعديات.

امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام

---

[1] سوره الروم (٣٠) آيه ٥٦

می‌گرداند و حدود خدا را اجرا می‌نماید و دست دشمنان و متجاوزان را از حریم دین خدا دور می‌دارد و با حکمت و پندهای نیکو مردم را به راه خدا می‌خواند. امام مانند شمس عالمتاب است که طلوع نموده و جهان را به نور خود روشن می‌نماید، و او بر فراز افق مکان و منزلتی دارد که دستها و چشمها را یارای وصول به آن نیست، امام ماه شب چهارده و نور دهنده دلها است و چراغ رخشان و نور بلند و نمایان و ستاره راهنما در قطعات تاریکی‌های شدید و در وسط بیابان‌ها و زمین‌های خشک و سوزان و در لجّه‌های دریاها است، امام اب شیرین است در تشنگی و راهنما است بر راه سعادت و نجات دهنده است از سقوط و هلاکت، امام آتشی است بر فراز تپّه‌ها و موجب حرارت است برای افرادی که خود را بدان گرم می‌کنند و راهنما و دلیل است در مواضع هلاکت، کسی که از امام جدا شود هلاک گردد. امام ابر پر باران و باران درشت و فراوان و خورشید نور دهنده و آسمان رحمت سایه گستر و زمین صاف و بی‌خاشاک و چشمه پر آب حیات و منبع آب و

گلستان فضائل است. امام انیسی است با مهر و شفقت، و پدری است با رحمت و عطوفت و برادری است عدیل و مهربان و چون مادری است با کودک خردسال خود نیکو و رئوف، و ملجأ و پناه بندگان است در شدائد و مهمّات. امام امین خدا است بر آفریدگان او و حجت اوست بر بندگان او و خلیفه اوست در بلاد او، و دعوت کننده مردمان است به سوی او، و منع کننده مفاسد و موانع است از حرم او، امام از هر گناهی منزه و از هر عیب و نقصی مبرّی است.

خداوند او را مخصوص به علم نموده و موسوم به حلم فرموده است و نظام دین و عزّ مسلمین و قهر و غضب بر منافقین و هلاکت کافرین است. امام یکّه و فرید زمان است که هیچ کس را یارای نزدیکی به مقام او نیست و هیچ دانشمندی هم طراز و هم رتبه او نه، و نه از برای او بدلی یافت شود و نه مثل و مانندی، خداوند بخشاینده و کرم کننده او را بدین فضائل بدون طلب و اکتساب مخصوص گردانیده است. بنابراین چه کسی را قدرت معرفت امام است، یا می‌تواند او را اختیار کند هیهات هیهات!

عقول در اینجا گم می‌شود و دلها متحیّر می‌گردد و خردها عاجز و سرگردان می‌ماند و چشمها فرو می‌خوابد. بزرگان کوچک می‌شوند و حکیمان متحیّر می‌گردند و حلیمان کوتاه می‌گردند و خطیبان محدود و محصور می‌شوند و خردمندان به جهل اعتراف می‌کنند و شاعران لال می‌گردند و ادیبان ناتوان می‌شوند و بلیغان عاجز می‌گردند از توصیف شأنی از شئون امام یا فضیلتی از فضائل او، و همه و همه اقرار به عجز و اعتراف به تقصیر می‌نمایند. و چگونه تمام صفات و فضائل او را می‌توان وصف کرد یا از کنه و ذات او سخنی گفت یا چیزی از شئون او را ادراک کرد یا بتوان کسی را بر مسند او نشاند که مانند امام بهره دهد و بی‌نیاز کند؟ نه، چنین نمی‌شود چگونه و به چه کیفیّت بتوان چنین کاری کرد؟ در حالی که او مانند ستاره‌ای است بر فراز آسمان، کجا می‌توانند مردم او را به دست گیرند، و توصیف کنندگان از حقیقت اوصاف او سخنی گویند؟ با این حال مردم کجا می‌توانند امام را اختیار کنند و عقلها کجا می‌تواند این حقیقت را درک کند

و کجا می‌تواند مانند امام کسی دیگر پیدا شود؟

آیا شما چنین گمان می‌برید که امامت در غیر آل رسول اللَه محمّد بن عبد اللَه صلی اللَه علیه و آله و سلم یافت می‌شود؟ سوگند به خدا که نفس‌های آنها به آنان دروغ گفت و امانی و آرزوهای باطل در دلهای آنان جا گرفت و بنابر این بر مکان سخت و مرتفعی، و بر نردبان لرزان و صعبی بالا رفتند که ناگهان قدمهای آنان از فراز به پائین بلغزید. آنها چنین خواستند که امام را با عقل‌های ناقص و پریشان و گرفتار هوی و هوس خود تعیین کنند و با آراء گمراه کننده خود نصب نمایند پس هر چه بیشتر کوشیدند بیشتر دور شدند ﴿قاتَلَهُمُ اللهَ انَّی یُؤْفَکُونَ﴾.[1]

و حقا قصد مطلب صعبی نمودند و با افک و دروغ سخن گفتند و گمراه شدند گمراهی آشکاری و در حیرت و سرگردانی در افتادند؛ زیرا با بصیرت امام را ترک گفتند، ﴿وَ زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ اعْمالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبیلِ وَ کانُوا مَسْتَبْصِرینَ﴾.[2] از اختیار خدا و اختیار رسول خدا و اهل بیت رسول خدا اعراض

---

[1] سوره التوبة (۹) آیه ۳۰

[2] سوره العنکبوت (۲۹) آیه ۳۸.

نموده و به اختیارات خود گرویدند در حالی که قرآن به اعلی صوت ندا در می‌دهد: ﴿وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ ما يَشاءُ وَ يَخْتارُ ما كانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحانَ اللهِ وَ تَعالى عَمّا يُشْرِكُونَ﴾.[1] و نیز خدای عَزَّ و جَلَّ فرمود: ﴿وَ ما كانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ اذا قَضَى اللهُ وَ رَسُولُهُ امْراً انْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ امْرِهِمْ﴾[2] و نیز فرمود: ﴿ما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ* امّ لَكُمْ كِتابٌ فيهِ تَدْرُسُونَ* انَّ لَكُمْ فيهِ لَما تَخَيَّرُونَ* امْ لَكُمْ ايْمانٌ عَلَيْنا بَالِغَةٌ الى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ انَّ لَكُمْ لَما تَحْكُمُونَ* سَلْهُمْ ايُّهُمْ بِذٰلِكَ زَعيمٌ* امْ لَهُمْ شُرَكاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكائِهِمْ انْ كانُوا صادِقينَ﴾.[3] و نیز خداوند عزّ و جلّ فرمود: ﴿افَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ امْ عَلى قُلُوبٍ اقْفالُها[4] یا آنکه طَبَعَ اللهُ عَلى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لا يَفْقَهُونَ﴾[5] یا آنکه ﴿قالُوا سَمِعْنا وُ هُم لا يَسْمَعُونَ* انَّ شَرَّ الدَّوابِّ عِنْدَ اللهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذينَ لا يَعْقِلُونَ* وَ لَوْ عَلِمَ اللهُ فيهِمْ خَيْراً لَاسْمَعَهُمْ وَ لَوْ اسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ﴾[6] یا آنکه ﴿قالُوا سَمِعْنا وَ عَصَيْنا﴾.[7]

بلکه امامت فضل خداست، کسی را که بخواهد

---

[1] سوره القصص (۲۸) آیه ٦٨

[2] سوره الأحزاب (۳۳) آیه ٣٦

[3] سوره القلم (٦٨) آیه ۳۷ الی ٤٢.

[4] سوره محمد (٤٧) آیه ٢٤.

[5] سوره التوبة (۹) آیه ۸۷.

[6] سوره الأنفال (۸) آیه ۲۱ الی ۲۳.

[7] سوره البقرة (۲) آیه ۹۳.

می‌دهد و خداوند دارای فضل عظیمی است. چگونه برای آنان اختیار تعیین امام است؟ در حالی که امام عالمی است که برای او هیچ چیز مجهول نیست و نگهبان و حافظی است که به هیچ وجه فتور و سستی در او پیدا نمی‌شود. معدن قُدس و طهارت است، و چشمه تقوی و زهادت، و علم و عبادت، اختصاص یافته به دعوت رسول، و نسل پاک بتول، در نَسَب او گفتگو و طعنی نیست، و هیچ ذی حسب و اعتباری را یارای نزدیکی به مقام او نه. از بیت قریش است و از خاندان بلند مرتبه هاشم و از عترت رسول صلی اللَه علیه و آله و سلم و الرَّضا مِنَ اللَه عَزّ و جلّ. از تمام اشراف شریف‌تر و شاخه‌ای از عبد مناف. علمش پیوسته زنده و بیدار، حلمش کامل و استوار، در انجام وظائف امامت قادر و توانا است، و بر سیاست عالم و دانا، پیروی او از ناحیه خدا بر همه خلق واجب آمده، و به امر خداوند عزَّ و جلَّ قائم شده، نصیحت کننده بندگان خداست، و نگهدارنده دین و آیین خدا. خداوند به انبیاء و ائمه صلوات اللَه علیهم توفیقی خاصّ عنایت نموده و از خزانه علم و حکم خود چیزهایی به آنان مرحمت فرموده است

که به دیگران نداده، بنابراین علم آنها عالی‌تر و رفیع‌تر از علم تمام اهل زمان است. خدا می‌فرماید: ﴿افَمَنْ یَهْدی الَی الْحَقِّ احَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أمْ مَنْ لا یَهِدّی الّا انْ یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ﴾.[1] و نیز فرماید: ﴿وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَةَ فَقَدْ اوتِیَ خَیْراً کَثیراً﴾.[2] و درباره طالوت گوید: ﴿انَّ اللهَ اصْطَفاهُ عَلَیْکُمْ وَ زادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللهُ یُؤْتی مُلْکَهُ مَنْ یَشاءُ وَ اللهُ واسِعٌ عَلیمٌ﴾.[3] و به پیمبرش صلی اللَه علیه و آله و سلم فرموده: ﴿انْزَلَ اللهُ عَلَیْکَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ عَلَّمَکَ مَا لَمْ تَکُنْ تَعْلَمُ و کانَ فَضْلُ اللهِ عَلَیْکَ عَظیماً﴾.[4] و درباره ائمّة از اهل بیت او و عترت او و ذرّیّه او صلوات اللَه علیهم فرموده است: ﴿امْ یَحْسُدُونَ النّاسَ عَلی ما ءاتهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ ابْراهیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظیماً فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ کَفی بِجَهَنَّمَ سَعیراً﴾.[5]

چون بنده‌ای را خدا برای ولایت و سرپرستی امور بندگانش اختیار کند سینه او را برای تحمّل این

---

[1] سوره یونس (۱۰) آیه ۳۵.

[2] سوره البقرة (۲) آیه ۲٦۹.

[3] سوره البقرة (۲) آیه ۲٤۷.

[4] سوره النّساء (٤) آیه ۱۱۳.

[5] سوره النّساء (٤) آیه ۵۳ و ۵٤.

بار، منشرح و گشاده می‌دارد و در دل او چشمه‌های حکمت قرار می‌دهد و پیوسته از علوم خود بدو الهام می‌نماید به طوری که دیگر از جواب فرو نخواهد ماند و از راه صواب حیران و سرگردان نخواهد شد، و بنابراین او به عصمت الهی معصوم و به تایید و توفیق او مؤیّد و موفَّق خواهد بود، از هر گونه اشتباهی یا لغزش و خطائی مأمون و مصون خواهد بود. و این مقام را خدا به او اختصاص داده تا بر بندگانش حجّت بوده باشد و بر آفریدگانش شاهد و گواه ﴿و ذلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ﴾.[1]

آیا کسی می‌تواند این مَلکات را داشته باشد و قدرت بر وظائف امامت را دارا باشد تا او را انتخاب کنند؟ یا اینکه مختار و منتَخَب آنان دارای چنین صفاتی است تا او را مقدّم دارند؟ سوگند به بیت اللَه که از حقّ تجاوز کردند و کتاب خدا را چنان به پشت سر انداختند گویا که اصلًا بر آن دانا نبودند. در کتاب خدا راه هدایت مشهود و شفای از هر گزند و

[1] سوره الجمعة (٦٢) آیه ٤.

مصیبتی معلوم بود لکن آنرا به دور انداختند، و از اهواء و خیالات خود پیروی کردند. خداوند آنان را مذمّت نموده و وجهۀ بصیرت آنها را برو در افکنده، دیدۀ دل آنان را کور و قلب آنان را هلاک و تباه فرموده است.

قالَ اللهَ تَعالی:﴿وَ مَنْ اضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللهَ انَّ اللهَ لا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّالِمين﴾[1] و نیز فرمود:﴿فَتَعْساً لَهُمْ وَ اضَلَّ اعْمالَهُمْ﴾[2] و نیز فرمود:﴿كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللهَ وَ عِنْدَ الَّذينَ آمَنُوا كَذلِكَ يَطْبَعُ اللهَ عَلى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبّارٍ﴾.[3]

و صلّی اللهَ علی النَّبیِّ مُحمّد و آله و سلّم تسلیماً کثیراً.[4]

---

[1] سوره قصص (۲۸) آیه ۵۰.

[2] سوره محمّد (٤٧) آیه ۸.

[3] سوره غافر (٤٠) آیه ۳۵.

[4] امام شناسی، ج ۲، ص ۱۰۸.